

فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال هشتم، شماره دوم (پیاپی ۲۸)، تابستان ۱۳۹۸

شاپای چاپی ۲۱۳۱-۲۳۲۲ شاپای الکترونیکی ۴۷۶X-۲۵۸۸

<http://serd.khu.ac.ir>

صفحات ۲۲۳-۲۳۸

تحلیل پیامدهای استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی

مورد: بخش مرکزی شهرستان جیرفت

آیت‌اله کرمی*؛ دانشیار اقتصاد کشاورزی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

مینا فاریابی؛ کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

مصطفی احمدوند؛ دانشیار ترویج و توسعه کشاورزی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۲۴

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۱۱/۱

چکیده

از آن‌جا که توسعه کشاورزی به عنوان کانون و محور اصلی توسعه از نقش و جایگاه خاصی در کشور برخوردار است، صنایع تبدیلی را می‌توان شرط لازم و موتور محرک توسعه این بخش دانست. از این رو، پژوهش حاضر با هدف سنجش نگرش کارشناسان و مسئولان صنایع، پیرامون پیامدهای استقرار صنایع تبدیلی و تکمیل در بخش مرکزی شهرستان جیرفت انجام شده است. داده‌های مورد نیاز از طریق منابع اسنادی - کتابخانه‌ای و مطالعه میدانی به وسیله پرسشنامه‌ای محقق ساخته از ۴۳ کارشناس و مسئول صنایع تبدیلی و تکمیلی شهرستان جیرفت به دست آمد. روایی پرسشنامه توسط پانل متخصصان و پایایی آن نیز با انجام یک مطالعه پیش‌آهنگ و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ (بالای ۰/۸ برای تمامی متغیرها) تأیید گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار SPSS19 انجام گرفت. یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که به ترتیب در بُعد اقتصادی، مؤلفه‌های «گسترش جایگاه کشاورزی در منطقه»، «افزایش مشارکت بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری» و «افزایش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی»، در بُعد اجتماعی مؤلفه‌های «نیاز منطقه به صنایع تبدیلی مربوطه»، «افزایش انسجام و پیوستگی بین کشاورزان» و «افزایش علاقه جهت انجام فعالیت‌های کشاورزی»، و در بُعد زیست‌محیطی مؤلفه‌های «کاهش ضایعات محصولات کشاورزی»، «عرضه بهداشتی‌تر محصولات غذایی» و «در نظر گرفتن برنامه‌های مدون جهت رعایت بهداشت محیط روستا» از مهم‌ترین پیامد استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی در بخش کشاورزی بوده است. همچنین مؤلفه‌های بُعد اقتصادی نسبت به دو بُعد اجتماعی و زیست‌محیطی دارای اهمیت و وضعیت بالاتری است.

واژگان کلیدی: صنایع تبدیلی و تکمیلی، توسعه کشاورزی، اقتصاد روستایی، شهرستان جیرفت.

*ayatkarami@yu.ac.ir

(۱) مقدمه

امروزه جهان در حالی وارد هزاره سوم شده است که اگرچه مقدار تولید مواد غذایی در جهان افزایش یافته و منابع پایدار کشاورزی و امکانات تولید کشورهای در حال توسعه نیز ظرفیت‌های بالقوه‌ای به مراتب فراتر از توان به کار گرفته را دارند، ولی هنوز بسیاری از کشورها در واقعیت یافتن سه اصل اساسی امنیت غذایی یعنی فراهم بودن غذای کافی برای جمعیت موجود، تأمین غذا و وجود آن در هر زمانی در بازار مصرف و قابل دسترس بودن آن با چالش‌های عمده مواجه هستند (حاتمی‌فرد، ۱۳۹۰: ۴۱۴). از سویی با توجه به روند رو به افزایش جمعیت جهان و محدود بودن امکانات تولید مواد غذایی این مسئله روز به روز ابعاد گسترده‌تری به خود گرفته است. از این رو، توسعه کشاورزی که زیر بنای اصلی تأمین غذای جوامع بشری است در رأس برنامه‌ریزی اکثر کشورهای جهان قرار دارد. اگرچه در ایران تلاش‌های گسترده‌ای در سال‌های اخیر در زمینه احیای کشاورزی انجام گرفته و از آن به عنوان محور استقلال یاد شده است، اما با در نظر داشتن میزان بالای ضایعات مشخص می‌شود که راه حل موجود در رسیدن به استقلال در زمینه کشاورزی تنها افزایش تولید نیست، بلکه باید با برنامه‌ریزی درست از محصول تولید شده به بهترین وجه ممکن استفاده نمود. در نتیجه، با بهبود روش‌های تبدیلی و تکمیلی، بسته‌بندی و توزیع مواد غذایی می‌توان از هدر رفت میلیون‌ها تن محصول در زنجیره تولید از مزرعه یا باغ تا رسیدن به دست مصرف‌کننده جلوگیری کرد و به این ترتیب ضمن بالا بردن درآمد ملی، در راستای تأمین نیازهای تغذیه‌ای جامعه بشری گام مؤثرتری برداشت (شهیدی و صادقی ماهونک، ۱۳۷۸: ۸۷).

در واقع استقرار صنایع روستایی در پیوند با بخش کشاورزی به عنوان مکمل آن، منشأ تحولات و آثار مثبت در مناطق روستایی می‌شود که برخی از مهم‌ترین این اثرات عبارتند از نیاز به سرمایه‌گذاری کم‌تر در مقایسه با صنایع بزرگ، وجود مواد اولیه‌ی آن در مناطق روستایی، هزینه تولید نسبتاً مناسب، افزایش بهره‌وری محصولات در بخش کشاورزی و کاهش ضایعات، حفظ، ارتقاء و متنوع ساختن کیفیت فرآورده‌ها در مناطق روستایی با انتقال ارزش افزوده بیش‌تر به مناطق روستایی و افزایش درآمد روستاییان، کاهش شکاف بین شهر و روستا از راه افزایش درآمد و تأمین خدمات لازم برای زندگی روستاییان، تأمین بخشی از نیاز روستاییان و کشور از راه تولید برخی از کالاها، احداث و به کارگیری پاره‌ای از امکانات زیربنایی و شرایط لازم برای فعالیت صنایع روستایی، ارتباط منطقی و سازنده میان کشاورزی و صنعت از کانال صنایع روستایی، اشتغال بخش عمده‌ای از نیروهای فعال و مازاد در بخش کشاورزی، کاهش مهاجرت و افزایش انگیزه ماندگاری روستاییان و ایجاد زمینه لازم برای تشکیل و به کارگیری سرمایه‌های کوچک به منظور استقرار صنایع در روستاها است (نیکوگفتار - ظریف، ۱۳۸۲: ۳۵؛ مطیعی‌لنگرودی و نجفی‌کانی، ۱۳۹۰: ۲). به طوری که در برنامه‌های پنج ساله توسعه کشور بر حمایت از

گسترش صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی به نحوی که درصد محصولات فرآوری شده حداقل به میزان دو برابر وضع موجود افزایش یافته و موجبات کاهش ضایعات به میزان ۵۰ درصد فراهم گردد، تأکید شده است (دفتر صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۴). فزون بر آن، در اثر ایجاد این گونه صنایع همگام با توسعه صنایع فرآوری غذایی و ارتقای فناوری در فرآیند صنعتی شدن، فرصت‌های بیش‌تری برای سایر بخش‌ها از جمله حمل و نقل و گروه‌هایی از بخش‌های خدمات به وجود خواهد آمد (شهیدی و صادقی ماهونک، ۱۳۷۸: ۸۵).

توجه بیش‌تر به این موضوع، بدون شک افزایش سرعت در رشد و توسعه‌ی اقتصادی و کشاورزی کشور را در پی خواهد داشت. این راهبرد به عنوان فرآیندی که ابزارهای مناسب برای متنوع‌سازی اقتصاد روستایی فراهم می‌آورد، رویکردی اقتصادی است که با ایجاد اشتغال و افزایش درآمد و توزیع متعادل‌تر درآمد، منجر به بهبود سطح زندگی روستاییان و به تبع زمینه نیل به توسعه پایدار روستایی را فراهم می‌آورد (سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۹). با توجه به پیش‌فرض‌های فوق، پژوهش حاضر درصدد است که ابعاد، جنبه‌ها و پیامد گوناگون پیوند بخش کشاورزی و صنایع روستایی را به طور کلی و در روستاهای بخش مرکزی شهرستان جیرفت به طور ویژه مورد بررسی قرار دهد. فزون بر آن، به این پرسش اصلی پاسخ دهد که پیامد استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی بر بخش کشاورزی شهرستان جیرفت چیست و ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی بر اقتصاد روستاهای بخش مرکزی شهرستان جیرفت دارای چه پیامدهایی بوده است؟ بنابراین، هدف کلی پژوهش حاضر نگرش‌سنجی پیرامون پیامد استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی در بخش کشاورزی (مورد بخش مرکزی شهرستان جیرفت) می‌باشد.

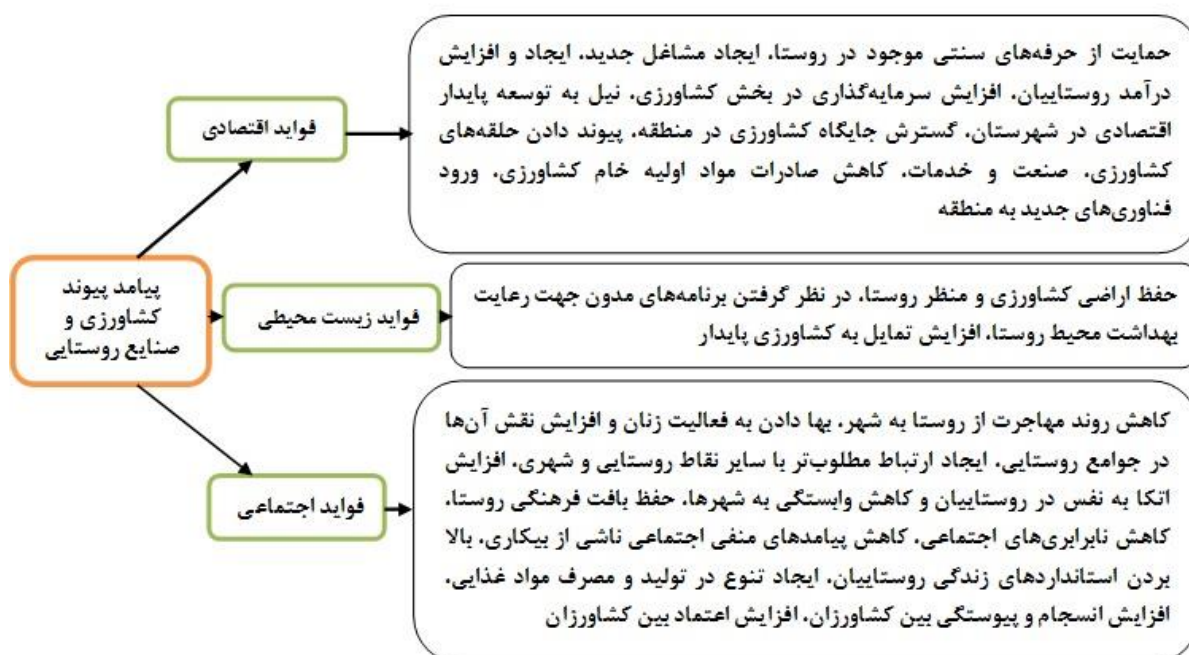
۲) مبانی نظری

در مقوله‌ی صنعتی شدن یا نوسازی جوامع روستایی و کشاورزی دو دیدگاه متفاوت مشهود است؛ یک دیدگاه بر پایه آراء کارل مارکس در زمینه‌ی صنعت و اثرات آن بر جامعه شکل می‌گیرد که البته این گروه از محققان با دیدی انتقادی و منفی به صنایع روستایی می‌نگرند و به رواج پدیده‌هایی همچون بیگانگی در جوامع صنعتی معترض هستند. این گروه معتقدند جامعه با پیشرفت صنایع و تکنولوژی روح خود را به آن می‌بازد. اما گروه دیگری از نظریه‌پردازان با دیدی مثبت به رواج صنعتی شدن تولید و فرایند آن در جامعه نگریسته و معتقدند اگر این فرآیند به‌طور اصولی در یک جامعه پا گیرد، می‌تواند باعث تغییر و تحول از فرهنگ و اجتماع سنتی به فرهنگ و اجتماع مدرن شود. سرآمد محققان این گروه بلومر است. او چنین بیان کرده که رشد بخش صنعت، تقاضا برای خدمات گوناگون را نیز افزایش می‌دهد. با توسعه صنعت و هم‌افزایی‌های ناشی از آن، دولت‌ها این امکان را می‌یابند تا مالیات‌های بیشتری اخذ کنند و به

گسترش بهداشت، آموزش، تأمین بهتر نظم و امنیت و ارائه خدمات عمومی بپردازند (شایان و بوزرجمهری، ۱۳۹۳). با عنایت به این مهم، در مناطق محروم روستایی، صنایع فرآوری مهم‌ترین راهکار پویا برای فقرزدایی و توسعه روستایی و حتی ملی هستند (شهیدی و صادقی ماهونک، ۱۳۷۸: ۸۵).

تاکنون در مورد صنایع تبدیلی و تکمیلی مطالعات فراوانی انجام شده است که با استناد به این مطالعات می‌توان به یک چارچوب مفهومی کارآمد در جهت نگرش‌سنجی پیامد استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی بر کشاورزی بخش مرکزی شهرستان جیرفت دست یافت. پوررمضان و همکاران (۱۳۹۱) در بررسی امکان‌سنجی استقرار صنایع کوچک در روستاهای بخش مرکزی شهرستان رشت با استفاده از مدل تحلیلی SWOT، به این نتیجه رسیده‌اند که محدوده مورد مطالعه جهت استقرار صنایع کوچک تبدیلی کشاورزی با نقاط فرصت بیش‌تری چون ویژگی‌های زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی نسبت به نقاط ضعف و تهدیدهای پیش رو مواجه می‌باشد. شریفیان (۱۳۸۰) در پژوهشی با عنوان نقش نواحی صنعتی روستایی در توسعه روستاها بیان کرد که افزایش هر گونه تسهیلات اعطایی به صنایع تبدیلی کشاورزی باعث پیشرفت این صنایع و رشد و توسعه بخش کشاورزی و روستایی می‌گردد. وی معتقد است که دسترسی به تسهیلات ارزان قیمت و آسان مهم‌ترین عامل در توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی در مناطق روستایی می‌باشد. ریزانول (۱۹۹۴) در پژوهشی اثرات صنعتی شدن مناطق روستایی چین در دوره بعد از اصلاحات را مورد بررسی قرار داده و صنعتی شدن را به عنوان موتور محرک توسعه روستایی در چین می‌داند. امین آقایی (۱۳۸۷) در مطالعه خود، عوامل مؤثر بر عملکرد صنایع کوچک روستایی ایران را به سه دسته عوامل ساختاری، زمینه‌ای و محتوایی تقسیم و به بررسی نظر کارشناسان توسعه روستایی در زمینه میزان تأثیر هر یک از این شاخص‌ها بر عملکرد صنایع کوچک روستایی و اولویت‌بندی آن پرداخته است. نوری و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی بیان کرد که صنایع روستایی بایستی متناسب با توانمندی‌های محیطی و انسانی مناطق روستایی بر پایه دیدگاه کارشناسان علمی، سازمانی و محلی تعیین گردد تا بتواند برای آن منطقه مفید واقع شود. آمار (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان کارکرد صنعتی نواحی روستایی و ضرورت توسعه آن که به صورت موردی در بخش خورگام شهرستان رودبار انجام داده است به این نتیجه رسید که برای ارتقاء درآمد فعلی روستاییان ناحیه مورد مطالعه، تقویت بخش‌های دوم و سوم اقتصاد ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. راثو (۱۹۸۵) با تحلیل روند صنعتی شدن روستاها در چهار کشور هند، فیلیپین، کره جنوبی و ژاپن، بر نقش استقرار صنعت در روند گسترش صادرات اشاره داشته و معتقد است هر یک از این کشورها با انتخاب الگوی مناسب صنعتی، گامی در جهت ایجاد اشتغال، افزایش درآمد و گسترش صادرات داشته‌اند. کیشور (۲۰۰۴)، در بررسی عوامل مؤثر در توسعه صنایع در مناطق روستایی ایالت اورسای هند وجود مواد اولیه، وجود بازار، شرایط

سرمایه‌گذاری، تخمین تقاضا و تسهیلات مالی و اعتباری را عوامل مؤثر در ایجاد توسعه‌ی صنایع فعالیت‌های غیرکشاورزی هستند. بنابراین، علاوه بر کارکردهای فعلی می‌توان کارکرد صنعتی را جهت رسیدن به توسعه‌ی پایدار در این محدوده روستایی پیشنهاد نمود. با استناد به پیشینه نگاشته‌ها پیرامون صنایع تبدیلی و تکمیلی و تجارب محققان در مناطق متفاوت، می‌توان چارچوب مفهومی پژوهش حاضر را به صورت نگاره ۱ ارائه نمود.



شکل (۱) چارچوب مفهومی پژوهش - پیامد پیوند کشاورزی و صنایع روستایی

۳) روش تحقیق

پژوهش حاضر بر مبنای هدف، کاربردی بوده و مبنای روش آن توصیفی - تحلیلی است. داده‌های مورد نیاز از طریق منابع اسنادی - کتابخانه‌ای و مطالعه میدانی به دست آمده است. به منظور تبیین چارچوب مفهومی از مرور پیشینه نگاشته‌ها و مشاهدات محققان از منطقه مورد مطالعه بهره گرفته شد. به منظور جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز جهت تعیین پیامد استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی بر بخش کشاورزی و اقتصاد روستایی بخش مرکزی شهرستان جیرفت، از فن مشاهده و توزیع پرسشنامه و در قالب مصاحبه‌های ساختارمند با مدیران صنایع استفاده شده است. پرسشنامه مذکور از سه بخش مجزای ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی تشکیل شده بود که در این خصوص از طیف لیکرت پنج گزینه‌ای استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی ۱۴۴ واحد صنایع تبدیلی و تکمیلی فعال در شهرستان جیرفت و تمامی کارشناسان صنایع تبدیلی و تکمیلی اداره کل صنایع و معادن جنوب کرمان

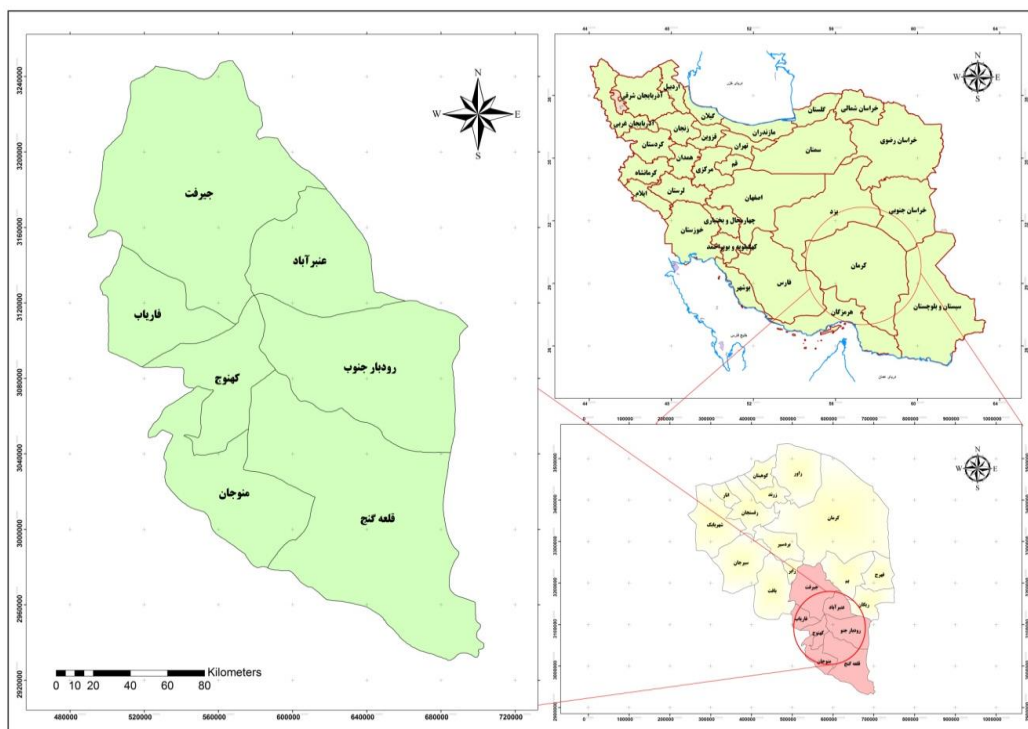
بود. حجم نمونه مورد مطالعه با نمونه‌گیری تصادفی برابر با ۴۳ نفر شد که ۳۱ نفر آن از مسئولان صنایع فعال در شهرستان و ۱۲ نفر از کارشناسان اداره کل صنایع و معادن جنوب کرمان بوده است. روائی صوری پرسشنامه با کسب نظرات اساتید و صاحب نظران و اعمال اصلاحات لازم بدست آمد. فزون بر آن، برای تعیین ضریب اعتبار پرسشنامه ضریب کرونباخ آلفا محاسبه شد که در تمامی ابعاد بیش از ۰/۸ بدست آمد (جدول ۱). بدین ترتیب ضریب آلفای به دست آمده نشان از اعتبار بالای ابزار پژوهش می‌باشد. داده‌ها پس از گردآوری، کدگذاری شده و با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS¹⁹ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

جدول (۱) پایایی مؤلفه‌های پرسشنامه

ردیف	مؤلفه	پایایی
۱	بعد اقتصادی	۰/۹۰۳
۲	بعد اجتماعی	۰/۹۳۹
۳	بعد زیست محیطی	۰/۸۹۷

محدوده مورد مطالعه در پژوهش حاضر بخش مرکزی شهرستان جیرفت می‌باشد که این شهرستان علی‌رغم توانایی‌ها و پتانسیل‌های فراوان تاکنون قادر به استفاده از تمام ظرفیت‌های موجود نبوده است. شهرستان جیرفت با وسعت حدود ۸۶۰۲ کیلومتر مربع معادل ۴/۶۵ درصد استان را به خود اختصاص داده است. این شهرستان از شمال به شهرستان کرمان، از جنوب به شهرستان کهنوج و شهرستان فاریاب، از شرق به شهرستان بم و از غرب به شهرستان بافت مشرف می‌باشد. این شهرستان با تنوع اقلیمی کاملاً ویژه و استثنائی جزء یکی از چهار منطقه ویژه کشاورزی در جهان است که با توجه به همین نعمت خدادادی در چهار فصل سال، کشاورزی در این منطقه رونق خاص خود را دارا است. به طوری که در حال حاضر در شهرستان جیرفت ۲/۵ میلیون تن محصولات کشاورزی شامل ۸۵ گونه محصولات باغی و زراعی سالیانه با کیفیت ممتازی تولید می‌گردد و زمینه مساعد فراهم است که سطح زیر کشت بالغ بر ۵۸۰ هزار هکتار و حجم تولید در افق ۱۴۰۰ به بیش از سه برابر میزان موجود برسد و در غالب محصولات از لحاظ میزان تولید در واحد سطح دارای رکوردهای جهانی می‌باشد و از این نظر از معدود مناطق کشور و بلکه جهان به شمار می‌آید که در یک سال زراعی سه نوبت سیب‌زمینی و پیاز، چهار نوبت خیارسبز، سه نوبت هندوانه و دو نوبت گوجه‌فرنگی برداشت می‌شود. وجود مازاد تولید در بعضی از محصولات کشاورزی مانند پیاز، سیب‌زمینی، سبزیجات برگی و غده‌ای، میوه و مانند آن این شهرستان را مکان مناسبی جهت استقرار واحدهای صنایع تبدیلی و تکمیلی کرده است. گذشته از این، توسعه این صنایع با توجه به

توان‌های موجود منطقه جیرفت خود زمینه‌های توسعه بیش‌تر بخش کشاورزی شهرستان را فراهم می‌آورد (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمان، ۱۳۹۰).



شکل (۲) جایگاه محدوده مورد مطالعه در تقسیمات کشوری

منبع: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمان، ۱۳۹۰.

۴ یافته‌های تحقیق

همان‌گونه که در قسمت روش پژوهش اشاره گردید، تعداد ۳۱ مورد از صنایع تبدیلی و تکمیلی انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. وضع موجود استقرار صنایع در بخش مرکزی مورد بررسی و دارای مجوز جهت استقرار صنایع روستایی در بخش مرکزی شهرستان جیرفت در جدول ۲ نشان داده شده است. بر این اساس بیش‌ترین حجم اشتغال مربوط به صنایع غذایی سبزواریان دیار کریمان با اشتغال ۷۴ نفر می‌باشد. همچنین، شرکت پگاه با اشتغال ۷۳ نفر و گل‌آرد با اشتغال ۴۶ نفر بعد از صنایع غذایی دیار کریمان دارای بیش‌ترین حجم اشتغال می‌باشند. بدین ترتیب با اندکی تأمل در میزان اشتغال‌زایی صنایع تبدیلی و تکمیلی مورد مطالعه می‌توان دریافت که این بخش سهم به‌سزایی در رونق اقتصاد روستایی بخش مرکزی شهرستان جیرفت داشته است. بنابراین، این سهم بالای اشتغال‌زایی خود ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به جهت مطالعه همه‌جانبه این بخش است.

جدول (۲) مجوزهای صادر شده جهت احداث صنایع روستایی در بخش مرکزی شهرستان جیرفت (۱۳۹۳)

نام واحد	نام محصول	نام گروه	ظرفیت (تن)	اشتغال
شرکت گلبارز جیرفت	عرقیات گیاهی	مرتعی و زراعی	۱۵۰	۵
بسته‌بندی خرما	خرما	باغی	۱۵۰۰	۸
درجه‌بندی و بسته‌بندی مرکبات	مرکبات	باغی	۱۲۰۰۰	۱۰
درجه‌بندی و بسته‌بندی مرکبات	مرکبات	باغی	۴۰۰۰	۱۰
درجه‌بندی و بسته‌بندی مرکبات	مرکبات	باغی	۳۰۰۰	۱۰
درجه‌بندی و بسته‌بندی مرکبات	مرکبات	باغی	۳۰۰۰	۱۰
درجه‌بندی و بسته‌بندی خرما	خرما	باغی	۲۰۰۰	۱۰
شرکت تعاونی عسل هلیل	بسته‌بندی عسل	دام و طیور	۹۰	۴
شیر خوراکی	شیر	دام	۱۰۰۰	۲۰
خوراک آماده طیور	خوراک دام	دام و طیور	۱۰۰۰۰	۵
خدمات سردخانه‌ای	سردخانه	باغی	۱۵۰۰۰	۵
فرآوری زیتون	زیتون	باغی	۱۶۰	۵
تعاونی اسفندقه	خشک کردن ذرت	زراعی	۹۰۰۰	۱۵
گوهر نوش	آب آشامیدنی		۱۲۰۰۰۰	۲۲
مجتمع صنایع غذایی	آب میوه، کنسرو ماهی، و ...	باغی، زراعی و آبیان	۴۱۵۷۵	۹
گل آرد	آرد	زراعی	۹۰۰۰۰	۴۶
تعاونی فدک سبزواران	بسته‌بندی خشکبار	باغی	۴۶۰۰	۳
تعاونی شب‌دیز کویر	ذرت خشک‌کنی	زراعی	۲۵۰۰۰	۱۵
انواع رب، کنسانتره مرکبات، سردخانه و روغن پوست مرکبات	سنوس	باغی	۷۰۶۰	۳۹
پگاه	شیر، ماست و دوغ	دام	۳۶۰۰	۷۳
نان	نان صنعتی	زراعی	۲۰۰	۵
نان	نان صنعتی	زراعی	۱۲۰۰	۱۲
نان	نان صنعتی	زراعی	۱۳۸۰	۱۱
نان	نان صنعتی	زراعی	۱۶۰۰	۱۰
نان	نان صنعتی	زراعی	۲۰۰۰	۱۰
ولیعصر	یخ		۷۹۰۰	۲
ولیعصر	یخ		۷۰۰۰	۵
سبزی خشک‌کنی	سبزیجات	زراعی	۲۰۰۰	۴
نان	نان صنعتی	زراعی	۱۳۴۴	۱۱
صنایع غذایی سبزواران دیار کریمان	رب گوجه بسته‌بندی رب گوجه	زراعی	۱۲۵۰۰	۷۴
سردخانه	سردخانه	باغی	۶۰۰	۲

منبع: سازمان جهاد کشاورزی و اداره صنعت و معدن شهرستان جیرفت (۱۳۹۳)

یافته‌های حاصل از بررسی صورت گرفته در مورد جنسیت مشارکت‌کنندگان حاکی از آن است که ۸۸/۴ درصد از کل افراد را مردان (۳۸ نفر) و ۱۱/۶ درصد از افراد مورد مطالعه را زنان (۵ نفر) تشکیل داده‌اند. فزون بر آن، یافته‌های تحقیق نشان داد که میانگین سنی افراد مورد مطالعه ۴۶/۴۰ سال، با انحراف معیار ۱۱/۸۸ است. جوان‌ترین فرد ۲۸ سال و مسن‌ترین آن‌ها ۶۸ سال سن دارد. هم‌چنین، محل سکونت ۲۰/۹ درصد افراد در روستا (۹ نفر) و ۷۹/۱ درصد باقیمانده در شهر زندگی می‌کردند (۳۴ نفر).

نگرش پیرامون پیامدهای استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی

در این بخش از پژوهش به نگرش‌سنجی پیامد حاصل از پیوند بخش‌های کشاورزی و صنعت، بر مبنای اطلاعات به‌دست آمده از پاسخگویان پرداخته می‌شود. همان‌گونه که در جداول ۳، ۴ و ۵ مشاهده می‌گردد، در بُعد اقتصادی مؤلفه‌های «افزایش مشارکت بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری»، «گسترش جایگاه کشاورزی در منطقه»، و «افزایش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی» به ترتیب بارزترین پیامد حاصل از پیوند بخش‌های کشاورزی و صنعت می‌باشند. فزون بر آن، مؤلفه‌های «گسترش صادرات غیر نفتی»، «کاهش صادرات مواد اولیه خام کشاورزی»، و «حمایت از حرفه‌های سنتی موجود در روستا» نیز به ترتیب پیامدهایی هستند که در نتیجه پیوند دو بخش کشاورزی و صنعت دارای کم‌ترین میزان اهمیت بوده است (جدول ۳).

جدول (۳) نگرش پیرامون پیامد اقتصادی حاصل استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی در منطقه

پیامد اقتصادی	مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	رتبه
۱	گسترش جایگاه کشاورزی در منطقه	۴/۶۵	۰/۴۸	۰/۱۰۴	۱/۵
۲	افزایش مشارکت بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری	۴/۶۵	۰/۴۸	۰/۱۰۴	۱/۵
۳	افزایش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی	۴/۶۱	۰/۴۹	۰/۱۰۷	۳
۴	نیل به توسعه پایدار اقتصادی در شهرستان	۴/۴۲	۰/۵۰	۰/۱۱۳	۴
۵	پیوند دادن حلقه‌های کشاورزی، صنعت و خدمات	۴/۶۱	۰/۶۱	۰/۱۳۳	۵
۶	کاهش ضایعات محصولات کشاورزی	۴/۴۵	۰/۶۲	۰/۱۴۰	۶
۷	استفاده بهتر از توانمندی‌های نیروی انسانی حاضر	۴/۳۹	۰/۶۶	۰/۱۵۱	۷/۵
۸	ورود فناوری‌های جدید به منطقه	۴/۴۸	۰/۶۷	۰/۱۵۱	۷/۵
۹	ایجاد و افزایش درآمد روستاییان	۴/۲۳	۰/۶۶	۰/۱۵۸	۹
۱۰	ایجاد مشاغل جدید	۴/۳۹	۰/۷۱	۰/۱۶۲	۱۰
۱۱	استفاده بهتر از منابع و توانایی‌های محیط طبیعی	۴/۲۹	۰/۷۸	۰/۱۸۲	۱۱
۱۲	گسترش صادرات غیر نفتی	۴/۱۰	۰/۷۹	۰/۱۹۲	۱۲
۱۳	کاهش صادرات مواد اولیه خام کشاورزی	۴/۱۰	۰/۸۷	۰/۲۱۲	۱۳
۱۴	حمایت از حرفه‌های سنتی موجود در روستا	۳/۴۵	۱/۲۳	۰/۳۵۷	۱۴

دامنه میانگین‌ها بین یک تا پنج است. منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶

از سویی، مؤلفه‌های «نیاز منطقه به صنایع تبدیلی مربوطه»، «افزایش انسجام و پیوستگی بین کشاورزان»، و «افزایش علاقه جهت انجام فعالیت‌های کشاورزی» از مهم‌ترین پیامد اجتماعی مورد توجه حاصل از استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی بر بخش کشاورزی بودند. به طوری که این سه مؤلفه رتبه‌های اول تا سوم را به خود اختصاص دادند. همچنین، مؤلفه‌های «کاهش روند مهاجرت از روستا به شهر»، «افزایش سطح تحصیلات منطقه»، و «کاهش نابرابری‌های اجتماعی» از جمله پیامدهایی بودند که در نتیجه پیوند دو بخش کشاورزی و صنعت در شهرستان جیرفت دارای کم‌ترین میزان اهمیت و توجه بودند (جدول ۴).

جدول (۴) نگرش پیرامون پیامد اجتماعی استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی در منطقه

پیامد اجتماعی	مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	رتبه
۱	نیاز منطقه به صنایع تبدیلی مربوطه	۴/۶۵	۰/۴۸	۰/۱۰۴	۱
۲	افزایش انسجام و پیوستگی بین کشاورزان	۴/۳۹	۰/۵۵	۰/۱۲۷	۲
۳	افزایش علاقه جهت انجام فعالیت‌های کشاورزی	۴/۵۵	۰/۶۲	۰/۱۳۷	۳
۴	افزایش اعتماد بین کشاورزان و صنایع مربوطه	۴/۴۸	۰/۶۷	۰/۱۵۱	۴
۵	افزایش مهارت کشاورزی در کشاورزان منطقه	۴/۲۹	۰/۷۳	۰/۱۷۲	۵
۶	بهبود روابط و کارگروهی	۴/۱۰	۰/۷۴	۰/۱۸۱	۶
۷	افزایش اعتماد بین کشاورزان	۴/۲۹	۰/۷۸	۰/۱۸۲	۷
۸	حفظ بافت فرهنگی روستا	۴/۱۹	۰/۷۹	۰/۱۸۹	۸
۹	ایجاد تنوع در تولید و مصرف مواد غذایی	۴/۰۳	۰/۷۹	۰/۱۹۷	۹
۱۰	ایجاد ارتباط مطلوب‌تر با سایر نقاط روستایی و شهری	۳/۹۰	۰/۷۹	۰/۲۰۲	۱۰
۱۱	آباد شدن روستاها	۴/۱۳	۰/۸۴	۰/۲۰۴	۱۱
۱۲	بالا بردن استانداردهای زندگی روستاییان	۳/۶۱	۰/۷۶	۰/۲۱۰	۱۲
۱۳	کاهش پیامدهای منفی اجتماعی ناشی از بیکاری	۳/۸۱	۰/۸۳	۰/۲۱۸	۱۳
۱۴	افزایش اتکا به نفس در روستاییان و کاهش وابستگی به شهرها	۳/۷۱	۰/۸۲	۰/۲۲۲	۱۴
۱۵	بهادادن به فعالیت زنان و افزایش نقش آنها در جوامع روستایی	۴/۱۶	۰/۹۳	۰/۲۲۴	۱۵
۱۶	کاهش روند مهاجرت از روستا به شهر	۴/۰۳	۰/۹۴	۰/۲۳۵	۱۶
۱۷	افزایش سطح تحصیلات منطقه	۳/۵۲	۰/۹۶	۰/۲۷۳	۱۷
۱۸	کاهش نابرابری‌های اجتماعی	۳/۴۲	۱/۰۲	۰/۲۹۹	۱۸

دامنه میانگین‌ها بین یک تا پنج است. منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶

در پیامد زیست‌محیطی (جدول ۵) سه مؤلفه «کاهش ضایعات محصولات کشاورزی»، «عرضه بهداشتی‌تر محصولات غذایی»، و «در نظر گرفتن برنامه‌های مدون جهت رعایت بهداشت محیط روستا» و سه مؤلفه «حفظ اراضی کشاورزی و منظر روستا»، «افزایش تمایل به کشاورزی پایدار»، و «حفظ گونه‌های مختلف حیاتی (گیاهی)» به ترتیب پیامدهایی بودند که در نتیجه پیوند دو بخش کشاورزی و صنعت در بخش مرکزی شهرستان جیرفت دارای بیش‌ترین و کم‌ترین میزان توجه و اهمیت بوده است.

جدول (۵) نگرش پیرامون پیامد زیست محیطی استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی در منطقه

پیامد زیست محیطی	مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	رتبه
۱	کاهش ضایعات محصولات کشاورزی	۴/۳۲	۰/۷۴	۰/۱۷۳	۱
۲	عرضه بهداشتی تر محصولات غذایی	۴/۲۶	۰/۷۷	۰/۱۸۱	۲
۳	در نظر گرفتن برنامه‌های مدون جهت رعایت بهداشت محیط روستا	۳/۸۴	۰/۸۶	۰/۲۲۳	۳
۴	حفظ اراضی کشاورزی و منظر روستا	۳/۸۷	۰/۹۹	۰/۲۵۶	۴
۵	افزایش تمایل به کشاورزی پایدار	۳/۴۵	۱/۰۶	۰/۳۰۷	۵
۶	حفظ گونه‌های مختلف حیاتی (گیاهی)	۳/۲۶	۱/۲۱	۰/۳۷۱	۶

دامنه میانگین‌ها بین یک تا پنج است. منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶

واکاوی مقایسه‌ای نگرش به پیامدهای استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی در منطقه

همان گونه که در پیشینه پژوهش آمد، پیامد استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی در بخش کشاورزی شامل سه بُعد اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی می‌باشد. در ادامه، وضعیت هر کدام از این ابعاد از دیدگاه مسئولان صنایع و کارشناسان اداره کل صنایع و معادن جنوب کرمان مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش (جدول ۶) حاکی از آن است که دیدگاه مسئولان صنایع و کارشناسان اداره کل صنایع و معادن جنوب کرمان در خصوص پیامد اقتصادی استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی در بخش کشاورزی، نظیر گسترش جایگاه کشاورزی در منطقه، افزایش مشارکت بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری، افزایش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و غیره از متفاوت است (سطح معنی‌داری: ۰/۰۱۱). به گونه‌ای که از دیدگاه مسئولان صنایع مربوطه استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی در بخش کشاورزی دارای پیامد اقتصادی بیش‌تری (میانگین: ۴/۳۴) در مقایسه با دیدگاه کارشناسان این بخش (میانگین: ۳/۸۶) می‌باشد. این در حالی است که تفاوت معناداری در دیدگاه کارشناسان و مسئولان صنایع این بخش پیرامون پیامد اجتماعی حاصل از استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی در بخش کشاورزی شهرستان جیرفت مشاهده نمی‌گردد (سطح معنی‌داری: ۰/۳۲۳). به طوری گروه‌های پاسخ‌گو در خصوص پیامد اجتماعی همانند نیاز منطقه به صنایع تبدیلی مربوطه، افزایش انسجام و پیوستگی بین کشاورزان، افزایش علاقه جهت انجام فعالیت‌های کشاورزی و غیره دارای دیدگاه یکسانی دارند. فزون بر آن، دیدگاه کارشناسان و مسئولان صنایع در خصوص پیامد زیست محیطی استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی در منطقه جیرفت از جمله کاهش ضایعات محصولات کشاورزی، عرضه بهداشتی تر محصولات غذایی، در نظر گرفتن برنامه‌های مدون جهت رعایت بهداشت محیط روستا و غیره نیز یکسان است و تفاوت معناداری مشاهده

نمی‌گردد (سطح معنی‌داری: ۰/۰۶۲۲). در نتیجه پیامد زیست‌محیطی نیز مانند پیامد اجتماعی در وضعیت تقریباً یکسانی است.

جدول ۶. مقایسه دیدگاه کارشناسان و مدیران پیرامون پیامد استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی در منطقه

متغیرها	مسئولان صنایع		کارشناسان		آماره t	سطح معنی‌داری
	میانگین	SD	میانگین	SD		
اقتصادی	۴/۳۴	۰/۴۰۵	۳/۸۶	۰/۷۸۲	۲/۰۲	۰/۰۱۱
اجتماعی	۴/۰۶	۰/۵۳۹	۳/۶۲	۰/۷۴۱	۲/۲۰	۰/۳۲۳
زیست‌محیطی	۳/۸۳	۰/۸۱۰	۳/۷۶	۰/۷۳۳	۰/۲۵۸	۰/۰۶۲۲

دامنه میانگین‌ها بین یک تا پنج است.

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶

(۵) نتیجه‌گیری

بیکاری، درآمد بسیار پایین، مهاجرت از روستا، عدم وجود امکانات مناسب در مناطق روستایی و سطح سواد پایین از جمله مسائل و مشکلاتی است که بسیاری از روستاهای استان کرمان و به خصوص شهرستان جیرفت با آن مواجه‌اند. در نتیجه توسعه صنایع تبدیلی در راستای توسعه کشاورزی می‌تواند زمینه‌های توسعه بسیاری از این بخش‌ها را در مناطق روستایی فراهم کند. زیرا صنایع روستایی با تغییر و تحول در ساختار سنتی نواحی روستایی و ایجاد ساختار و کارکردی جدید، موجب خروج آن‌ها از انزوای جغرافیایی می‌شود و نقش بسیار مؤثری در توسعه پایدار روستاها خواهد داشت (پوررمضان و اکبری، ۱۳۹۳). در نتیجه توسعه صنایع و خودکفایی مردم روستایی در شهرستان جیرفت با توجه به پتانسیل‌ها و استعدادهای مختلف انسانی و طبیعی در این زمینه امری ضروری به نظر می‌رسد. از این رو، پژوهش حاضر به واکاوی نگرش مسئولان و کارشناسان صنایع نسبت به پیامد استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی در بخش کشاورزی شهرستان جیرفت پرداخته شده است. با توجه به حجم بالای عملیات کشاورزی و تولید انواع بسیار متفاوت محصولات کشاورزی در منطقه مورد مطالعه، گسترش صنایع تبدیلی و تکمیلی می‌تواند نقش اساسی در جلوگیری از ضایعات محصولات کشاورزی و کاهش ضررهای تولیدکننده، افزایش اشتغال و درآمد، افزایش سطح تحصیلات، افزایش انسجام بین کشاورزان، افزایش توجه به حضور زنان در عرصه‌های اقتصادی، افزایش توجه به مسائل بهداشتی در امر تولید، افزایش صادرات، افزایش سرمایه‌گذاری‌ها و در نتیجه رشد اقتصاد ملی داشته باشد. نتایج بررسی‌ها و نظرسنجی دیدگاه‌های پاسخ‌گویان نیز موارد بالا را تأیید می‌کند. به طوری که یافته‌های پژوهش مبنی بر اهمیت‌سنجی پیامد حاصل از استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی بر بخش کشاورزی حاکی از آن بود که استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی در بخش کشاورزی بخش مرکزی شهرستان جیرفت از لحاظ بُعد اقتصادی موجب گسترش

جایگاه کشاورزی در منطقه، افزایش مشارکت بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری، افزایش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی شده است. در نتیجه با توجه به یافته‌های این بخش از پژوهش، ضروری به نظر می‌رسد که توجه بیش‌تری به جذب و به کارگیری سرمایه‌های بخش خصوصی صورت گیرد. این یافته‌ها با نتایج پوررمضان و همکاران (۱۳۹۱) و پوررمضان و اکبری (۱۳۹۳) که مهم‌ترین اثر پیوند دو بخش کشاورزی و صنعت را گسترش سرمایه‌گذاری‌ها معرفی کردند، هم‌خوانی دارد. لیکن با یافته‌های نوری و همکاران (۱۳۸۹) که در پژوهش خود بیان کردند که مشارکت بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری آن در توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی از اهمیت ناچیزی برخوردار می‌باشد، هم‌سو نیست.

از لحاظ بُعد اجتماعی نیز موجب افزایش نیاز منطقه به صنایع تبدیلی مربوطه، افزایش انسجام و پیوستگی بین کشاورزان، افزایش علاقه جهت انجام فعالیت‌های کشاورزی شده است. بدین ترتیب، ضروری به نظر می‌رسد که قبل از احداث صنایع تبدیلی و تکمیلی در هر منطقه، نیازسنجی از مردم و کشاورزان آن منطقه نسبت به احداث آن صورت گیرد. فزون بر آن، با احداث صنایع مورد نیاز کشاورزان منطقه، به میزان بسیار زیادی از ضایعات محصولات کشاورزی تولید شده کاسته شده و هزینه‌های حمل و نقل و بازاریابی محصولات نیز تا حد زیادی برای کشاورزان کاسته می‌شود. از این رو، کشاورزان میل و رغبت بیش‌تری نسبت به تولید محصولات کشاورزی خواهند داشت. در نتیجه دستیابی به توسعه پایدار و صنعتی کردن پایدار روستایی آسان‌تر خواهد بود. این نتایج با یافته‌های نوری و نیلی‌پور طباطبایی (۱۳۸۶) و نوری و همکاران (۱۳۸۹) که در مطالعه خود مهم‌ترین اهداف توسعه صنایع را افزایش فعالیت‌های کشاورزی و نیل به توسعه پایدار روستایی معرفی کردند، هم‌خوانی دارد. هم‌چنین، با یافته‌های پوررمضان و همکاران (۱۳۹۱) که استقرار صنایع را موجب افزایش علاقه به انجام فعالیت کشاورزی می‌دانستند، هم‌سو می‌باشد. در نهایت در بُعد زیست‌محیطی موجب کاهش ضایعات محصولات کشاورزی، عرضه بهداشتی‌تر محصولات غذایی، و در نظر گرفتن برنامه‌های مدون جهت رعایت بهداشت محیط روستا از مهم‌ترین پیامد استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی در بخش کشاورزی شده است. بنابراین، در پی استقرار صنایع تبدیلی در بخش کشاورزی می‌توان انتظار داشت که درصد بالایی از محصولات کشاورزی تولیدی که در اثر بازاریابی ناقص و پایین بودن قیمت فروش آن‌ها در زمین‌های کشاورزی باقی مانده‌اند، بتوانند در این صنایع با قیمت مناسب و به سهولت خریداری و مورد استفاده قرار گیرند. این موضوع خود موجب می‌شود که از باقی ماندن محصولات کشاورزی در زمین کشاورزی و به خطر افتادن بهداشت محیط روستا به مراتب جلوگیری شود. فزون بر آن، بسیاری از محصولات کشاورزی که درصد آب بالایی دارند، در فرآیند حمل و نقل ضایعات بالایی را موجب خواهند شد. از این رو، عرضه این نوع از محصولات به صنایع مناسب برای فرآوری آن‌ها در منطقه خود می‌تواند از حجم بالای ضایعات این نوع از

محصولات کشاورزی جلوگیری نماید. این نتایج با یافته‌های نوری و نیلی‌پور طباطبایی (۱۳۸۶) که در پژوهش خود بیان کردند مؤلفه‌های بُعد زیست‌محیطی از اهمیت پایینی در استقرار صنایع برخوردارند، هم‌سو نمی‌باشد. لیکن با یافته‌های پوررمضان و اکبری (۱۳۹۳) نسبت به رعایت به بهداشت در محیط روستا با استقرار صنایع، هم‌خوانی دارد.

در این میان اهمیت بُعد اقتصادی نسبت به دو بُعد دیگر از دیدگاه کارشناسان و مسئولان صنایع بیش‌تر می‌باشد. بنابراین، چنین استنباط می‌شود که در استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی در بخش کشاورزی متغیرهای بُعد اقتصادی (میانگین بالاتر) حائز اهمیت بیش‌تری می‌باشند. این نتایج با یافته‌های پوررمضان و اکبری (۱۳۹۳)، نوری و نیلی‌پور طباطبایی (۱۳۸۶) و نوری و همکاران (۱۳۸۹) نسبت به اهمیت بیش‌تر پیامد اقتصادی استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی در بخش کشاورزی هم‌خوانی دارد. در این راستا با توجه به پیامد استقرار صنایع در بخش کشاورزی و ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی منطقه، گسترش صنایع تبدیلی در جهت تقویت پایه‌های اقتصادی روستاها و گام نهادن به توسعه‌ی پایدار روستایی امری ضروری به نظر می‌رسد. در نهایت این‌که در بخش کشاورزی، تنها وسیله‌ای که سبب افزایش تولیدات و نیل به خودکفایی و هم‌چنین ورود به بازارهای جهانی و رقابت شده صنایع تبدیلی و تکمیلی است. در این راستا اتخاذ سیاست‌هایی هم‌چون موارد ذیل ضروری است:

با توجه به این‌که یکی از پیامد استقرار صنایع در بخش کشاورزی جذب سرمایه‌گذاری‌های خصوصی می‌باشد، لذا پیشنهاد می‌شود که به ایجاد انگیزه در قشر سرمایه‌گذار بخش خصوصی از طریق ارائه تسهیلات ویژه به این بخش و فراهم کردن بسترهای مناسب جهت سرمایه‌گذاری در صنایع کوچک و تبدیلی در روستاهای محدود مورد مطالعه پرداخته شود؛

با توجه به این‌که با استقرار صنایع در مناطق روستایی کشاورزان میل و رغبت بیش‌تری نسبت به انجام فعالیت‌های کشاورزی پیدا خواهند کرد، لذا توصیه می‌شود که حمایت‌های دولتی از سرمایه‌گذاران کوچک در جهت احداث صنایع تبدیلی در مناطق روستایی در نظر گرفته شود؛

با استناد به یافته‌های پژوهش مبنی بر این‌که با استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی، محصولات کشاورزی به صورت بهداشتی‌تر عرضه خواهد شد، لذا پیشنهاد می‌شود که برنامه‌ریزی مناسب نسبت به برگزاری دوره‌های آموزشی و اقدامات لازم در جهت افزایش آگاهی مسئولان صنایع نسبت به رعایت مسائل بهداشتی و عرضه بهداشتی‌تر محصولات تولیدی صورت گیرد؛

با استناد به یافته‌های پژوهش مبنی بر این‌که با استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی، از ضایعات محصولات کشاورزی تا حد زیادی کاسته خواهد شد. لذا توصیه می‌شود که از سوی صاحبان صنایع نرخ‌های تضمینی نسبت به خرید محصولات کشاورزی تعیین شود تا کشاورزان بدون هیچ دغدغه و ریسکی به امر تولید و عرضه محصولات خود به صنایع بپردازند؛ و

با توجه به یافته‌های پژوهش مبنی بر این‌که با استقرار صنایع در بخش کشاورزی، دستیابی به توسعه پایدار روستایی آسان‌تر خواهد بود. لذا توصیه می‌شود که سیاست‌های پایدار در کشاورزی و صنعت و رفع ابهامات این سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها برای کشاورزان و مسئولان صنایع اتخاذ و به ایشان ابلاغ شود.

۶ منابع

- اداره کل صنعت و معدن شهرستان جیرفت، (۱۳۹۳)، مرکز آمار اداره کل صنعت و معدن شهرستان جیرفت، اطلاعات مربوط به صنایع تبدیلی و تکمیلی جنوب کرمان.
- امین آقایی، مهرناز، (۱۳۸۷)، بررسی عوامل مؤثر بر عملکرد صنایع کوچک از دیدگاه کارشناسان توسعه روستایی، مجله روستا و توسعه، سال ۱۱، شماره ۴، صص: ۱۲۵-۱۴۶.
- آمار، تیمور، (۱۳۸۹)، عملکرد صنعتی مناطق روستایی و نیاز به توسعه آن (مطالعه موردی: شهرستان رودبار)، مجله جغرافیای انسانی. دانشگاه آزاد اسلامی گرمسار، سال ۲، شماره ۴، صص: ۹۱-۱۰۴.
- پوررمضان، عیسی و زهرا اکبری، (۱۳۹۳)، اثرات ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی بر اقتصاد روستایی مورد: بخش مرکزی شهرستان رشت، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۳، شماره ۴، صص: ۱۴۵-۱۶۴.
- پوررمضان، عیسی، تیمور آمار و زهرا اکبری، (۱۳۹۱)، امکان سنجی استقرار صنایع کوچک (تبدیلی کشاورزی) با استفاده از مدل تحلیلی SWOT (مطالعه موردی: روستاهای بخش مرکزی شهرستان رشت)، فصلنامه علمی - پژوهشی نگرشهای نو در جغرافیای انسانی، سال ۴، شماره ۴.
- حاتمی فرد، سویل، (۱۳۹۰)، بررسی عوامل مؤثر بر به بهره‌برداری نرسیدن صنایع تبدیلی و تکمیلی در استان زنجان، مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، سال ۲، شماره ۳، صص: ۴۲۱-۴۱۳.
- سازمان جهاد کشاورزی جنوب کرمان، (۱۳۹۳)، مرکز آمار سازمان جهاد کشاورزی جنوب کرمان، اطلاعات مربوط به صنایع تبدیلی و تکمیلی جنوب کرمان.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمان، (۱۳۹۰)، سالنامه آماری استان کرمان، «<http://amar.kr.ir>» (۱۵ تیر ۱۳۹۴).
- سجاسی قیداری، حمدالله، احمد رومیانی و سمیه صانعی، (۱۳۹۳)، ارزیابی عملکرد صنایع روستایی در توسعه، مورد: دهستان صائین قلعه در شهرستان ابهر، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال سوم، شماره ۲، صص: ۸۷-۱۰۵.
- شایان، ح. و بوزرجمهری، خ. (۱۳۹۳). ارزیابی اثرات اجتماعی شهرک‌های صنعتی بر نواحی روستایی مورد: شهرک صنعتی خیام نیشابور. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۳، شماره ۳.
- شریفیان، محمدجواد، (۱۳۸۰)، نقش نواحی صنعتی روستایی در توسعه روستاها (ناحیه صنعتی امان آباد مشهد)، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران.
- شهیدی، فخری و علی‌رضا صادقی ماهونک، (۱۳۷۸)، بررسی وضعیت صنایع تبدیلی و تکمیلی وابسته به کشاورزی در استان خراسان، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۷، شماره ۲۷.

- کلانتری، خلیل،، عبدی رهنما و حمید موحد محمدی، (۱۳۸۹)، عوامل پیش برنده و بازدارنده ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی در استان خراسان شمالی، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۱۸، شماره ۷۰.
- مطیعی لنگرودی، سیدحسن و علی اکبر نجفی کانی، (۱۳۹۰)، توسعه و صنعتی سازی روستا (تئوری ها، روش ها و استراتژی ها برای توسعه صنعتی)، انتشارات دانشگاه تهران.
- نوری، سید هدایت الله و شهره نیلی پور طباطبایی، (۱۳۸۶)، اولویت بندی توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی با استفاده از روش دلفی (شهرستان فلاورجان - استان اصفهان)، فصلنامه پژوهش های جغرافیایی، شماره ۶۱، صص: ۱۶۱-۱۷۷.
- نوری، سید هدایت الله، حسن بیک محمدی، احمد تقدیسی و پروین شفیعی، (۱۳۸۹)، اولویت بندی صنایع کوچک و کارگاهی مناطق روستایی شهرستان اردستان با روش دلفی، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۳، شماره ۲، صص: ۷۹-۶۱.
- نیکوگفتار - ظریف، ناصر، (۱۳۸۲)، مطالعه عوامل مرتبط با بهبود تولیدات در صنایع روستایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران.
- وزارت جهاد کشاورزی، (۱۳۸۴)، گزارش دفتر صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی، تهران. جهاد کشاورزی.
- Kishore, C. (2004), "Rural Non-Farm Activities in Specific Regions of Orissa", Journal of Rural Development, Vol. 16, No. 1, pp. 457-464.
- Rau, S.K. (1985), "rural industrialization: Policy ND Program in four Asian countries", Asian Productivity, Tokyo.
- Rizwanul, I. (1994), "rural industrialization: An engine of Prosperity rural china", World development, Vol. 22, No. 11, pp. 1643-1662.